

فهرست

مقدمه ۷

خطبه غدیر، از زبان امام باقر علیه السلام

خطبه غدیر، از زبان امام باقر علیه السلام ۱۰

بیش از هفتاد هزار نفر پیمان بستند ۱۲

پیامبر صلی الله علیه و آله می ترسید منافقان و مخالفان میان امت تفرقه

بیندازند ۱۶

آغاز خطبه غدیر

صفات و ویژگی های خداوند ۲۲

آیه اکمال دین و ارتباطش با علی علیه السلام ۲۸

امامت علی و فرزندانش ۳۲

دعا و نفرین پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۹

پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله درباره پیشوایان کفر ۴۵

دوستان و دشمنان علی علیه السلام در آیات قرآن ۴۹

ویژگی های امام زمان علیه السلام ۵۴

دعوت به پیمان با پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام ۵۶

حجّ و شعائر الهی	۵۷
حلال و حرام	۵۹
امر به معروف و نهی از منکر	۶۱
اقرار گرفتن برای ولایت علیّ <small>علیه السلام</small> و فرزندان	۶۳
امتیازات علیّ <small>علیه السلام</small> در قرآن	۶۷
اولین بیعت کنندگان	۶۹

مقدمه

چند نکته:

۱. خطبه غدیر، راویان بسیاری دارد. یکی از آن راویان، امام باقر علیه السلام است که با اشراف کامل به تمامی جوانب آن واقعه عظیم، به نقل آن می پردازد. آن حضرت پیش از شروع خطبه، مطالبی را به عنوان مقدمه بیان می فرماید که از علت واقعه غدیر، دغدغه های پیامبر صلی الله علیه و آله، تأکیدهای جبرئیل از جانب خداوند برای ابلاغ رسالت، و مطالب بسیار ارزنده ای پرده برمی دارد که می تواند ما را از فضای حاکم بر آن زمان آگاه سازد و از آن واقعه بزرگ که سرنوشت اسلام را رقم زد تصویری گویا و شفاف ترسیم نماید.

۲. سعی کرده ایم این کتاب را به گونه ای ساده و روان ترجمه کنیم که هر فردی با هر میزان سواد بتواند آن را بخواند لیکن به یقین دارای کاستی هایی است که امیدواریم با راهنمایی خوانندگان عزیز، در چاپ های بعدی اصلاح گردد.

۳. این خطبه، از کتاب شریف «الاحتجاج علی اهل اللجاج»
تألیف «احمد بن علی طبرسی» متوفای قرن ششم، که از
کتاب‌های معتبر شیعه است نقل می‌شود.

داود روحانی

خطبه خدیجه، از زبان امام باقر علیهما السلام

خطبه غدیر، از زبان امام باقر علیه السلام

ابوجعفر، محمد بن علی [امام باقر] علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله از مدینه راهی حج بود. آن حضرت به جز حج و ولایت، همه قوانین [اسلام را به شکل کامل و عملی] برای امتش بیان کرده بود.

جبرئیل علیه السلام خدمت آن حضرت آمد و عرض کرد:

ای محمد، خدای - جَلَّ اسْمُهُ - به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید:

جان هیچ یک از پیامبران و رسولانم را نگرفتم مگر بعد از اكمال دین و استوار کردن حجتم. دو واجب بر عهده تو باقی مانده است که باید برای قومت بیان کنی:

[۱.] فریضه حج؛

[۲.] فریضه ولایت و خلافت [= جانشینی] پس از خودت.

۱. منظور این است که پیامبر صلی الله علیه و آله آموزش کامل و عملی احکام حج را بیان کند، وگرنه مسلمانان از پیش به حج می‌رفتند و وجوب آن بر همگان آشکار بود.

من [تاکنون] زمینم را بدون حجّت نگذاشته‌ام و هرگز آن را بدون حجّت نخواهم گذاشت.

[جبرئیل ادامه داد:]

خداوند - جَلَّ تَنَافُؤُهُ - به تو فرمان می‌دهد که [احکام کامل] حج را برای قومت بیان کنی. [خودت] به حج بروی و هرکدام از شهرنشینان، حومه‌نشینان و بادیه‌نشینان، که استطاعت [و توان] دارد با تو به حج بیاید^۱ تا همان‌گونه که نماز، زکات و روزه را به ایشان آموختی، دانستنی‌های حج را نیز به آنان بیاموزی، و همان‌طور که ایشان را واداشتی که همه احکامی را که به ایشان آموختی به جا آورند آنان را واداری [تا زیر نظر تو] حج به جا آورند.

پس، منادی رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان مردم فریاد برآورد: آگاه باشید، رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خواهد به حج برود، و همان‌گونه که احکام دینتان را به شما آموخت، حج را به شما بیاموزد، و همان‌گونه که شما را واداشت تا احکام دیگر را ادا کنید [می‌خواهد] شما را وادارد تا [زیر نظر ایشان] حج به جا آورید.

۱. سوره آل عمران، آیه ۹۷.

بیش از هفتاد هزار نفر پیمان بستند

پیامبر ﷺ [از مدینه] بیرون رفت و مردم همراه او رفتند. آنان با دقت به او توجه کردند تا ببینند چه می‌کند تا همان کار را بکنند. حضرت، آنان را به حج بُرد. تعداد کسانی که از مدینه و حومه آن و بادیه‌ها، به حج آمده بودند مانند اصحاب موسی، به هفتاد هزار نفر رسید بلکه بیشتر هم شد. همان‌طور که موسی از آن اصحاب برای [جانشینی]^۱ هارون^۲ پیمان گرفت و آنان پیمان شکستند و از سامری^۳ و گوساله‌اش پیروی کردند رسول خدا ﷺ نیز برای خلافت علی از آنان که به تعداد اصحاب موسی بودند، بیعت گرفت. آنان [نیز] بیعت شکستند و از سامری و گوساله‌اش پیروی کردند. روش [امت پیامبر و اصحاب موسی] یکسان بود و مانند هم رفتار کردند.

[فریاد] لَبَّيْكَ، مَكَّةَ و مدینه را به هم پیوند زد.

۱. سوره اعراف، آیه ۱۴۸.

۲. سوره طه، آیات ۲۵ تا ۳۶.

۳. سوره طه، آیه ۸۸.

هنگامی که آن حضرت به موقف^۱ رسید، جبرئیل از جانب خدای - عَزَّوَجَلَّ - آمد و عرض کرد:
ای محمد، خدای - عَزَّوَجَلَّ - به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید:

پایانِ عمر و زمانِ مرگت نزدیک است. می‌خواهم با مرگی که از آن گریزی نیست، نزد من آیی؛ پس به پیمانت وفادار باش، پیشاپیش وصیت کن، بکوش تا دانش خود و همه دانش‌های پیامبران پیش از خودت، و سلاح، تابوت^۲ و همه نشانه‌های پیامبران را که در نزد توست، به وصی و جانشین پس از خودت، و حجت آشکار من بر خلقم، علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام بدهی.

او را برای راهنمایی مردم منصوب کن، و بار دیگر [از مردم برای او] عهد و میثاق و بیعت بگیر، به یادشان آور که من [در گذشته] از آنان برای ولایت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام که ولی من، و مولای آنان و مولای هر مرد

۱. هر کدام از مشعر، منا و عرفات را موقف می‌گویند.

۲. سوره بقره، آیه ۲۴۸.

و زن مؤمنی است بیعت گرفته‌ام، میثاق بسته‌ام و تعهد گرفته‌ام.

من جانِ هیچ پیامبری را نمی‌ستانم، مگر [پس از] آن که به دوست داشتن دوستانم، و دشمنی کردن با دشمنانم [فرمان دهم و با آن]، دین و حجّتم را کامل کنم و نعمتم را تمام گردانم. و این کار، تکمیل یگانه‌پرستی، کامل کردن دینم، و اتمام نعمت بر خَلقم می‌باشد که با پیروی و اطاعت کردن از ولیّ من، انجام خواهد شد.

و علّت آن این است که من زمینم را از ولیّ و سرپرستی که حُجّت من بر خَلقم باشد خالی نمی‌گذارم، بنا بر این «امروز دینم را برایتان کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام کردم و از این که اسلام دین شما باشد خشنود شدم»،^۱ [و همهٔ این‌ها] به وسیلهٔ ولایتِ علیّ علیه السلام است که ولیّ من، و سرور هر مرد و زن باایمان است. او بندهٔ من، وصیّ پیامبر من، جانشین بعد از او، و حجّت بالغهٔ من [= بُرهان رسای من] بر آفریده‌هایم می‌باشد.

پیروی از او، قرین پیروی از پیامبرم محمّد است،^۱ و پیروی از آن دو، به پیروی از من گره خورده است.

هرکس از او فرمان بَرَد از من فرمان بُرده است و هرکس از او سرپیچی کند از من سرپیچی کرده است.

او را بین خودم و مردم، عَلم و نشانه قرار دادم. هرکس [ولایت] او را بپذیرد ایمان دارد و هرکس، انکار کند کافر است.

هرکس در بیعت با او، دیگری را شریک کند مُشْرِک است.

هرکس با ولایت او به دیدار من آید وارد بهشت می‌شود، و هرکس با دشمنی او مرا دیدار نماید وارد جهنم خواهد شد.

پس ای محمّد، علیّ را به عنوان نشانه قرار بده، از مردم بیعت بگیر، و عهد و میثاقی را که [پیش از این با آنان] بسته‌ام تجدید کن. زیرا [به زودی] من جان تو را خواهم گرفت و پیش خودم خواهم برد.

پیامبر ﷺ می ترسید منافقان و مخالفان

میان امت تفرقه بیندازند

رسول خدا ﷺ ترسید قومش، منافقان^۱ و مخالفان^۲، پراکنده شوند و به دوران جاهلیت برگردند^۳ زیرا می دانست که با علی دشمن اند، و دشمنی و کینه خود را در دل پنهان کرده اند، [بنابراین،] از جبرئیل خواست که از [جانب او، از] پروردگار درخواست کند که او را از [آسیب] مردم حفظ نماید، از این رو، تا بازگشت جبرئیل و آوردن خبر حفاظت از آسیب مردم، منتظر ماند و بیان فرمان خدا را به تأخیر انداخت تا این که به مسجد خیف رسید.

آنگاه جبرئیل [برای سومین بار] در مسجد خیف بر پیامبر ﷺ نازل شد و [از سوی خدا] فرمان داد که حضرت به عهدش وفا کند و علی را برای مردم نشانه ای قرار دهد تا با [پیروی از] او هدایت شوند^۴ ولی به او خبر نداد که [آیا]

خدای - جَلَّ جَلَالُهُ - او را از [شر] مردم حفظ می کند [یا نه؟]، تا این که پیامبر ﷺ در راه مکه و مدینه به [جایی به نام] «کُراع العَمیم» رسید و [دگر بار] جبرئیل نازل شد و حضرت را به دستوری که از جانب خدا آورده بود فرمان داد ولی [باز] خبر حفاظت را نیاورد.

حضرت فرمود: «ای جبرئیل، می ترسم قومم، مرا تکذیب کنند و سخن مرا درباره علی نپذیرند»، سپس به راهش ادامه داد.

هنگامی که به غدیر خم - که از جحفه، سه میل جلوتر است - رسید و وقتی که پنج قسمت از روز، گذشته بود جبرئیل نازل شد و دستور ابلاغ^۱ [ولایت و خلافت علی عَلِيٍّ]، و ترساندن [از عاقبت ابلاغ نکردن]^۲ و [وعدۀ] حفاظت از [آسیب] مردم^۳ را آورد.

و گفت: ای محمد، خدای - عَزَّوَجَلَّ - به تو سلام می رساند و می فرماید:

۱. يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ.

۲. وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ. ۳. وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ.

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۱.

۲. سوره هود، آیه ۸۹.

۳. سوره نحل، آیات ۱۵ و ۱۶.

۴. سوره فتح، آیه ۲۶.

«ای رسول، آنچه که» درباره علی «از جانب پروردگارت به تو نازل شد را ابلاغ کن و اگر این کار را نکنی رسالتش را نرسانده‌ای و خدا تو را از مردم حفظ خواهد کرد»^۱

کسانی که زودتر رفته بودند نزدیک جحفه رسیدند. پیامبر ﷺ فرمان داد آن که جلوتر رفته، بازگردد و آنان که دیرتر می‌رسیدند همان‌جا بمانند تا این که علی را نشانه قرار دهد، و از آنچه خدای - تعالی - درباره علی نازل کرده است آگاه کند و [به آنان بگوید که] خداوند به او خبر داده است که پیامبرش را از [آسیب] مردم حفظ خواهد کرد. رسول خدا ﷺ وقتی خبر حفظ [شدن از آسیب مردم] را دریافت کرد، فرمان داد تا منادی در بین مردم فریاد کند: «جمع شوید، جلوتر رفته‌ها بازگردند و کسانی که دیرتر می‌آیند [در غدیر] بمانند».

مردم طبق فرمانی که جبرئیل از جانب خدای - عز و جل - آورده بود کنار مسجد غدیر جمع شدند. در آن مکان، درختانی بود. رسول خدا ﷺ فرمان داد تا زیر درخت‌ها را

۱. سوره مائده، آیه ۶۷.

جارو کنند و با [تعدادی] سنگ، چیزی شبیه منبر بسازند تا بتواند مردم را ببیند.

مردمی [که رفته بودند] برگشتند و آنها که دیرتر آمدند در آنجا ماندند و جایی نرفتند.

رسول خدا بالای سنگ‌ها ایستاد و خدای - تعالی - را ستایش کرد و به نیکی ستود و فرمود:

آغاز خطبہ فدیر

صفات و ویژگی‌های خداوند

ستایش از آنِ خدایی است که در یگانگی‌اش برتر، در تنهایی‌اش بی‌نظیر، در پادشاهی‌اش با شکوه، و در نیرومندی‌اش بزرگ است.

او در جایگاه خود «از همه چیز آگاهی دارد».^۱

همهٔ آفریده‌ها را با توانایی و بُرهانش به سیطرهٔ خود آورده است.

همیشه بزرگوار بوده و همیشه ستوده می‌شود.

اوست آفرینندهٔ بلندی‌ها و ارتفاعات، پدیدآورنده و گسترانندهٔ پهناوری‌ها، تنها حُکمران زمین‌ها و آسمان‌ها، پاک و مُنزه [از هر بدی]، پروردگار فرشتگان و روح [که فرشتهٔ مقرب خداست]، نیکی‌کنندهٔ به تمام آفریده‌هایش، گرم‌کنندهٔ به همهٔ پدیده‌هایش.

تمام چشم‌ها را می‌بیند و هیچ چشمی او را نمی‌بیند.

بزرگوار، شکیبنا و بردبار است.

۱. سورهٔ طلاق، آیهٔ ۱۲.

رحمتش همه چیز را فراگرفته و با نعمت‌هایش بر همه مَنّت نهاده است.

برای انتقام گرفتن، شتاب نمی‌کند و برای عذابی که سزاوارشان است، نمی‌شتابد.

رازهای نهانی را می‌داند و از درون‌ها آگاه است، پنهان شده‌ها از او پوشیده نیست و کتمان شده‌ها او را به شک نمی‌اندازند.

بر همه چیز احاطه دارد،^۱ و بر همه چیز، چیره می‌شود، نیروی هر کاری را دارد و بر هر کاری تواناست.^۲ چیزی مانند او نیست، و آن‌گاه که چیزی نبود او همه را آفرید.

جاوید و برپاکنندهٔ «عدالت است، جز او که عزیز و حکیم است هیچ معبودی نیست».^۳ منزه است «از این که چشم‌ها او را ببینند ولی او همهٔ چشم‌ها را می‌بیند؛ و او بخشندهٔ [انواع نعمت‌ها، و با خبر از دقایق موجودات]، و [از همه چیز] آگاه است»^۴

۱. سورهٔ فُصِّلَتْ، آیهٔ ۵۴.

۲. سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۰.

۳. سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۸.

۴. سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۰۳.

جز آن اوصاف و ویژگی‌هایی که خداوند خودش برای خود بیان می‌کند هیچ‌کس نمی‌تواند با تحقیق، به صفت و ویژگی او برسد و کسی نمی‌تواند چگونگی نهان و آشکار بودنش را دریابد.

و شهادت می‌دهم او خدایی است که روزگارا از پاکی‌اش آکنده شده، و نورش، زمانه را پوشانده است و بدون مشورت کردن با مشاوران، خواسته‌اش را اجرا می‌کند.

نه در تقدیراتش شریک دارد و نه در تدابیرش ناهماهنگی وجود دارد.

بی‌هیچ نمونه‌ای، آفریده‌اش را شکل داد، بی‌آن‌که از کسی یاری بگیرد، و بی‌هیچ زحمت و اندیشه‌ای مخلوقش را آفرید.

آن را آفرید که پدید آمد، آن را از نیستی به وجود آورد که پدیدار شد. پس «او خدایی است که جز او معبودی نیست»،^۱ او استوارکننده مخلوقش، و سازنده‌ای نیکوست.

عادلی است که ستم نمی‌کند و بزرگواری است که همه چیز به سوی او بازمی‌گردد.

شهادت می‌دهم که همه چیز در برابر توانایی‌اش فروتن و در مقابل بزرگی‌اش فرمان‌بردار است.

پادشاه پادشاهان، گرداننده افلاک، به حرکت درآورند، [و مُسَخَّر کننده] خورشید و ماه که «هریک تا زمان معینی در حرکتند»^۱ «شب را بر روز می‌پیچد و روز را بر شب»^۲ «و شب به دنبال روز، به سرعت در حرکت است».^۳

شکننده هر زورگویی لجوج، و هلاک کننده هر شیطان سرکش است.

نه مُغایری دارد و نه همتایی، یکتا و بی‌نیاز است، «نه زابیده است و نه زابیده شده است و هیچ احدی همتای او نیست».^۴

معبودی یگانه و پروردگاری بزرگوار است. می‌خواهد پس اجرا می‌کند، اراده می‌کند پس مقدر می‌گرداند، می‌داند پس به شماره درمی‌آورد. می‌میراند و

۱. سوره رعد، آیه ۲.

۲. سوره زمر، آیه ۵.

۳. سوره اعراف، آیه ۵۴.

۴. سوره اخلاص، آیه ۳ و ۴.

زنده می‌کند، نیازمند می‌کند و بی‌نیاز می‌سازد، می‌خنداند و می‌گریاند، محروم می‌کند و عطا می‌نماید.

«حکومت از آنِ او، و ستایش مخصوصِ او»^۱ و خوبی به دست اوست، «و او بر همه چیز تواناست»،^۲ «روز را به شب، و شب را به روز داخل می‌کند»^۳ معبودی جز «خدای توانا و آمرزش‌گر»^۴ نیست. اجابت‌کننده دعا، و بسیار بخشنده است، شمارنده نَفَس‌ها و پروردگارِ جَنّ و انس است.

هیچ کاری برای او دشوار نیست، فریادِ یاری خواهان، او را نمی‌آزارد و پافشاریِ اصرارکنندگان، او را خسته نمی‌کند. نگهدارنده نیکوکاران، توفیق‌دهنده رستگاران، سَرَوَرِ جهانیان، و کسی که شایسته است آفریده‌هایش او را شکر و ستایش کنند.

در شادی و غم، در گرفتاری و آرامش، او را می‌ستایم. به او و فرشتگانش، به کتاب‌ها و پیامبرانش ایمان داریم. دستورش را گوش می‌دهم و اطاعت می‌کنم. به سوی چیزی

۱. سوره تغابن، آیه ۱.

۲. همان.

۳. سوره فاطر، آیه ۱۳.

۴. سوره زمر، آیه ۵.

می‌شتابم که او را خشنود می‌کند، و تسلیم مقدرات اویم؛ زیرا به پیروی از او رغبت دارم و از مجازاتش می‌ترسم؛ چون، او خدایی است که نه از چاره‌جویی‌اش، آمانی است^۱ و نه از ستمش ترسی. (یعنی ستم نمی‌کند)

اقرار می‌کنم که بنده اویم، گواهی می‌دهم که او پروردگارِ من است. آنچه به من وحی کرده است انجام می‌دهم؛ زیرا می‌ترسم اگر انجام ندهم سخت مجازاتم کند به گونه‌ای که هیچ‌کس، حتی کسی که بسیار توانمند [و چاره‌اندیش] است نتواند آن را از من بازدارد.

معبودی جز او نیست. مرا آگاه کرده است که اگر آنچه نازل نموده بیان نکنم، رسالتش را ابلاغ نکرده‌ام. او حفاظت [از آسیب مردم] را برایم ضمانت کرده است و او خدای کفایت‌کننده و بزرگوار است.

۱. سوره آل عمران، آیه ۵۴.

آیه اکمال دین و ارتباطش با علیؑ

خداوند به من [چنین] وحی کرد:

«به نام خدای بخشاینده مهربان» «ای پیامبر، آنچه که از جانب پروردگارت» درباره علی بن ابی طالب - یعنی خلافت علی بن ابی طالبؑ - «به تو نازل شده است را [به همه] برسان و اگر این کار را نکنی رسالتِ الهی را تبلیغ نکرده‌ای، و خدا تو را از [شر] مردم نگاه می‌دارد»^۱

ای مردم، من در رساندن آنچه خدای - تعالی - به من نازل کرده است،^۲ کوتاهی نکردم و سبب نزول این آیه را برای شما بیان می‌کنم:

جبرئیل، سه بار بر من نازل شد و از جانب پروردگارم - که نامش سلام است - به من فرمان داد در این مکان بایستم، و سفید و سیاه را آگاه کنم که علی بن ابی طالبؑ برادر من،^۳ وصی من، خلیفه من^۴ و امام بعد از من است. جایگاه او برای

۱. سوره مائده، آیه ۶۷. ۲. سوره نحل، آیه ۴۴.

۳. سوره فرقان، آیه ۳۵.

۴. سوره اعراف، آیه ۱۴۲.

من، مانند جایگاه هارون است برای موسی؛ جز این که بعد از من پیامبری نخواهد آمد. بعد از خدا و رسولش، او ولی شماس است. به همین خاطر، خدای - تبارک و تعالی - آیه‌ای از کتابش را بر من نازل کرد [که می‌فرماید]: «ولّی [و سرپرست] شما، تنها خدا و رسولش و کسانی هستند که نماز می‌خوانند و در رکوع، صدقه می‌دهند»^۱ و [این] علی است که نماز خواند، در رکوع، صدقه داد و در تمام حالاتش، خدای - عزّ و جَلّ - را اراده می‌کند.

از جبرئیل خواستم که [از خداوند] برایم بخواهد تا مرا از تبلیغ آن به شما مردم معاف کند؛ زیرا [از سویی] از اندک بودن پرهیزگاران و بسیاری منافقان، خیانت بدکاران و فریب‌کاری مسخره‌کنندگان اسلام، آگاه بودم همان‌هایی که خدا، آنان را در کتابش این‌گونه توصیف کرده است: «آنان چیزهایی را می‌گویند که در دلشان نیست»^۲ و می‌پندارند که این کارشان «ساده» است در صورتی که در پیشگاه خدا، سنگین است^۳

۱. سوره مائده، آیه ۵۵.

۲. سوره فتح، آیه ۱۱.

۳. سوره نور، آیه ۱۵.

و [از سوی دیگر] چون مرا بسیار آزار می‌دادند^۱ تا جایی که به خاطر همنشینی بسیار علی با من و توجه من به او، مرا [سرایا] گوش [یعنی خوش‌باور] نام نهادند و پنداشتند که من همانم که می‌گویند تا این که خدای - عَزَّ وَ جَلَّ - در این باره، آیاتی را در قرآن نازل کرد و فرمود: «از آنان کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: «او آدمِ خوش‌باوری است!»^۲ به کسانی که او را خوش‌باور می‌پندارند «بگو: خوش‌باور بودن او به نفع شماست! [ولی بدانید] او به خدا ایمان دارد؛ و [تنها] مؤمنان را تصدیق می‌کند؛ و رحمت است برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و آنان که رسول خدا را آزار می‌دهند، عذاب دردناکی دارند.»^۳

و اگر می‌خواستیم، می‌توانستیم نامشان را بگویم، به آنان اشاره کنم و به سویشان راهنمایی نمایم ولی به خدا سوگند، من با کارهایشان با بزرگواری رفتار کردم، خداوند [نیز] از هیچ‌یک از این کارها خشنود نخواهد شد مگر آنچه را به من نازل کرده است تبلیغ کنم.

آن‌گاه این آیه را تلاوت کرد:

۲. سوره توبه، آیه ۶۱.

۱. سوره احزاب، آیه ۵۷.

۳. سوره توبه، آیه ۶۱.

«ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت» درباره علی «بر تو نازل شده است، کاملاً [به مردم] برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از [خطرات احتمالی] مردم، نگاه می‌دارد»^۱

[سپس آن حضرت فرمود:] ای مردم، بدانید که خدا او را سرپرست و امام شما قرار داده است.

فرمان‌برداری از او، بر مهاجر و انصار و پیروان نیکوکارشان، بر روستایی و شهری، عجم و عرب، آزاد و برده، کوچک و بزرگ، سفید و سیاه، و بر هر یکتاپرستی، واجب است.

پذیرش حکمش واجب، عمل به گفته‌اش لازم و دستورش نافذ است.

کسی که با او مخالفت کند از رحمت خدا دور [و ملعون] است، کسی که از او پیروی کند خدا رحمتش می‌کند، هرکس او را تصدیق کند با ایمان است.

به یقین، خدا، او و هرکس که از او حرف‌شنوی داشته باشد و از او پیروی کند می‌آمرزد.^۲

۱. سوره مائده، آیه ۶۷.

۲. سوره نور، آیه ۵۱.

امامت علی و فرزندانش

ای مردم، این آخرین جایی است که در این اجتماع می ایستم؛ پس گوش کنید و پیروی نمایید و در برابر دستور پروردگارتان، فروتن و فرمان بردار باشید؛ زیرا خدای -عَزَّوَجَلَّ- سرپرست^۱ و معبودتان^۲ است و بعد از خدا، محمدی که ایستاده و با شما سخن می گوید سرپرست شماست. آن گاه بعد از من، به دستور پروردگارتان، علی سرپرست و امامتان خواهد بود و سپس تا روزی که به دیدار خدا و رسولش می روید امامت در نسل من که از فرزندان علی هستند خواهد بود.

جز آنچه خدا حلال کرده حلالی نیست و جز آنچه او حرام نموده حرامی نیست، خدا حلال و حرام را به من آموخت، و هرچه پروردگارم از کتابش، و حلال و حرامش، به من یاد داده بود به روشنی برایتان بیان کردم.

ای مردم، دانشی نیست مگر آن که خداوند آن را در من

قرار داده است، من [نیز] هر دانشی را که می دانستم به امام مُتَّقین آموختم. هیچ دانشی نیست مگر آن که به علی یاد دادم و او [همان] امام مُبین است^۱ [که در قرآن نام برده است].

ای مردم، از راه او گمراه نشوید و از او روی برنگردانید و نسبت به ولایتش تکبر نوزید [و سر باز ننزید]. اوست کسی که «به سوی حق هدایت می کند»^۲ و به آن عمل می نماید، باطل را نابود می سازد و از آن باز می دارد، در راه خدا، سرزنش هیچ سرزنش کننده ای در او اثر نمی کند.^۳

اوست نخستین کسی که به خدا و رسولش ایمان آورد، هنگامی که هیچ مردی، همراه رسول خدا، خدا را نمی پرستید او [تنها] کسی بود که همراه پیامبر خدا بود.

ای مردم، او را برتری دهید که خدا او را برتری داده است، او را بپذیرید که خدا او را منصوب کرده است.

ای مردم، خداوند او را امام قرار داده است، کسی که ولایتش را انکار کند خدا هرگز از او نمی گذرد، و هرگز او را

۱. سوره یس، آیه ۱۲.

۲. سوره مائده، آیه ۵۴.

۳. سوره احقاف، آیه ۳۰.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۵۰.

۲. سوره طه، آیه ۹۸.

نمی‌آمرزد، به یقین، خداوند با کسی که از فرمانی که درباره‌ی علی داده است، سرپیچی کند چنین کاری خواهد کرد و برای همیشه و در تمام روزگار، او را با عذاب‌های کم‌نظیر مجازات خواهد کرد، بنابراین، از مخالفت با او بپرهیزید؛ زیرا به آتشی می‌افتید «که هیزم‌هایش مردم و سنگ‌ها هستند و برای کافرین مهیّا شده است»^۱

ای مردم، به خدا سوگند، مژده [آمدن] مرا به پیامبران و فرستادگان پیشین داده بودند. من خاتم پیامبران و فرستادگانم، و بر همه آفریده‌های آسمان و زمین، حجّت هستم، پس هرکس به آن شک کند مانند کافران جاهلیت پیشین [= جاهلیت پیش از اسلام] کافر است و هرکس به بخشی از این سخنانم شک کند به یقین به همه سخنانم شک کرده است، و شک‌کننده به همه سخنان من، جزایش آتش خواهد بود.

ای مردم، خداوند چون بر من منت نهاد و به من نیکی نمود، این امتیاز را [که همان ولایت و خلافت علی است] به

۱. سوره بقره، آیه ۲۴.

من ارزانی کرد.^۱ «معبودی جز او نیست و ستایش [من از] آن او خواهد بود»،^۲ [و او را] تا ابد و در تمام روزگاران و در هر حالی [ستایش می‌کنم].

ای مردم، علی را برتری دهید؛ زیرا بعد از من، در میان مردم، مرد باشند یا زن، علی از همه برتر است. خداوند به وسیله ما روزی می‌دهد و مردم باقی می‌مانند.

ملعون است ملعون، در خشم خداست در خشم خدا،^۳ هرکس این سخن مرا نپذیرد و با آن موافقت نکند.

بدانید که این سخن را جبرئیل از جانب خدای - تعالی - بدانید که این سخن مرا نپذیرد و با آن موافقت نکند. به من خبر داده است و [خداوند] می‌فرماید: «لعنت و خشم من بر کسی باد که با علی دشمنی کند و ولایتش را نپذیرد»^۴ پس «باید هر کسی ببیند که برای فردایش چه فرستاده است، از خدا بترسید»^۵ از این که با علی مخالفت کنید؛ زیرا [مخالفت با او باعث می‌شود]

۱. سوره مریم، آیه ۵۳.

۲. سوره قصص، آیه ۷۰.

۳. سوره مائده، آیه ۶۰.

۴. سوره هود، آیه ۹۹.

۵. سوره حشر، آیه ۱۸.

«گامی که ثابت شده بود بلغزد»^۱ «به یقین، خدا به آنچه می‌کنید آگاه است»^۲

ای مردم، او همان «جَنَّبُ الله» است که خدای - تعالی- در کتابش از آن [این‌گونه] یاد می‌کند: «[این دستورها برای آن است که] مبدا کسی روز قیامت بگوید: افسوس بر من از کوتاهی‌هایی که در اطاعت [از] فرمان خدا کردم»^۳

ای مردم، در قرآن بیندیشید،^۴ آیاتش را بفهمید، به مُحکّماتش توجه کنید و از مُتشابهاتش پیروی نکنید،^۵ زیرا به خدا قسم، هرگز کسی نواهی [و بازدارنده‌های] آیات مُتشابه را برای شما بیان نمی‌کند^۶ و [هیچ‌کس] تفسیر آن را برایتان آشکار نخواهد کرد، مگر این کسی که دستش را گرفته‌ام، و او را به سوی خود بالا می‌کشم، بازویش را بالا می‌برم و به شما اعلام می‌کنم: هرکس، من صاحب اختیارش هستم این علیّ صاحب اختیار اوست و او علیّ بن ابی طالب، برادر و وصی من است و [وجوب] پیروی کردن از او

۱. سوره نحل، آیه ۹۴.

۲. سوره حشر، آیه ۱۸.

۳. سوره زمر، آیه ۵۶.

۴. سوره ص، آیه ۲۹؛ سوره محمد، آیه ۲۴.

۵. سوره نحل، آیه ۴۴.

۶. سوره آل عمران، آیه ۷.

را خدای - عَزَّوَجَلَّ - بر من نازل کرده است.

ای مردم، به یقین، علیّ و فرزندان پاک من [که از نسل علیّ هستند] همان ثَقَلِ اصغرند و قرآن، ثَقَلِ اکبر. هریک از دیگری خبر می‌دهد و با آن موافق است، هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا این که در [کنار] حوض [کوثر] بر من وارد شوند.

آنان، آمین خدا در میان مردم‌اند و فرمان‌روایان خدا در زمین هستند.

بدانید که من [وظیفه‌ام را] ادا کردم،

بدانید که من بیان کردم،

بدانید که من به گوش شما رساندم،

بدانید که من آشکار کردم،

بدانید که خدای - عَزَّوَجَلَّ - [به من] فرمود، و من از

جانب خدا [به شما] گفتم،

بدانید که امیرالمؤمنین، کسی جز این برادرم نخواهد

بود، و رهبری [و فرمان‌روایی] مؤمنین، برای کسی جز او،

جایز نیست.